

با قاطعیت نمی توان گفت که نفوذ کدام دسته بیشتر است. شاید بهتر است بگوییم فراتر از هر دو، سرمایه است که می تواند با در اختیار گرفتن آنها حرف اول را بزند.

امروز،استعدادها بعد جهانی پیدا کرده اند، ببینید، فیلمی که پارسال جایزه اسکار گرفت توسط یک کار گردان انگلیسی ساخته شد. یعنی یک انگلیسی در آمریکا، زندگی أمريكايي ها را به خودشان نشان داد. درست مثل أيينه. اين فيلم كجايي است؟ انگليسي است یا آمریکایی؟ دیگر این مرزبندی ها از بین رفته است. شاید بتوان هنوز از جهان اول و جهان سوم حرف زد ولي اَمريكايي يا انگليسي دانستن يک هنر يا پديده، كاربرد

سازنده این فیلم به عنوان غربی، در همان حیطه فکری و عملی آمریکایی ها قرار می گیرد. در واقع در این فیلم زندگی غربی به مردم غرب نشان داده می شود. اما در غرب هم مسائلي وجود داشته است. كانادايي ها سال هاي سال از اَمريكايي ها گله مند بودند. همان اعتراضي كه الان اروپايي ها مي كنند. به نظر اروپايي ها آنقدر محصولات فرهنگی آمریکایی به کشورهای اروپا سرازیر می شود که در نهایت باعث نمی شود تا دنیا از چشم آمریکایی دیده شود. ببینید، تقریباً ده سال پیش که بحث ماهواره در ایران شروع شد فکر می کنم که متوسط تعداد کانال های تلویزیونی در

که ارزش ها و باورهای آن سطحی و صوری نباشد، چنین تغییراتی ایجاد کنند؟ ببینید، وقتی فرزند شما بزرگ می شود و به تنهایی وارد محیط خارج از خانه می شود -با تمام خطرات و بداَموزی هایی که در اَن وجود دارد- چگونه او را مسلح

می کنید تا بتواند سلامت جسمی و روحی و شخصیت خود را حفظ کند؟ به او آموزش می دهید و اگر با خاطری آزرده پیش شما برگشت،زنگار فکر و روح او را مي زداييد.مخاطب وسائل ارتباط جمعي هم همين وضع را دارد. اگر بنيان اعتقادي و ارزش قوی داشته باشد، هیچ وسیلهای نمی تواند به اَسانی در او تغییری ایجاد کند. مثل درختی که ریشه قوی دارد. همیشه اطراف نهال را مهار و به آن رسیدگی می کنند، وقتی ریشه دواند و استوار شد،بادهای سهمگین هم نمی تواند آن را خم کند.از طرف دیگر این طرز تفکر که دیگران نشسته اند و تمام وقت و سرمایه و انرژی خود را صرف می کنند تا ما را عوض کنند، نوعی سطح نگری است. ماهواره های ارتباطی تلویزیو نی صرفاً یک واسطه ارتباطی یا به عبارت دیگر حامل های مشترک هستند و نه لزوماً

کسانی که در خارج از کشور هستند قطعاً نمی توانند مخاطب ایرانی را بشناسند و برای او برنامه تهیه کنند و تا اندازه ای هم حق دارند.

ماهواره های ارتباطی تلویزیونی

صرفاً یک واسطه یا به عبارت دیگر

حاملهای مشترک هستند.

این تکنولوژی، خنثی است

و نمى تواند غرض دار باشد

اما انتخاب چنین محتوایی با کیفیت بسیار پایین نشان می دهد که نیاز و خواسته

حتى از يک مرجع رسمي، آماري در اين زمينه تهيه كند. من واقعاً نمي دانم كه در

شوراهای سیاستگذاری چه می گذرد ولی می توان حدس زد که مثل سایر موارد،

نصميمات كمتر بر اساس ملاحظات تخصصي گرفته مي شود و بيشتر به مسائل، سياسي

جلب توجه می کند، این است که محتوای این برنامه ها با نیاز و خواسته مخاطب

ایرانی چندان سازگار نیست. در واقع اگر ما از تلویزیون داخلی طرفی نمی بندیم و آن

را خاموش می کنیم، تلویزیونهای ایرانی خارج از کشور هم خوراکی برایٰ فکر

مخاطب ندارند و حتی به لحاظ سرگرمی هم او را چندان ارضا نمی کنند به نظر

میرسد نشناختن مخاطب و آگاه نبودن از نیازها و خواستههای او فقط مشکل

برنامه سازان داخلی نیست. آنها هم در حال و هوایی به سر می برند که شاید فقط با علایق و نیازهای قشر خاصی از مخاطبان به خصوص جوانان هماهنگ است.

آقای دکتر، نکته ای که در مورد برنامه های تلویزیون های ایرانی خارج از کشور

گفت و گو با د کتر تقی غفاری، استاد دانشگاه

رسانه های جمعی. وظیفه اصلی آنها دریافت برنامه از مرکزی خاص و تقویت و ارسال

آن به منطقه مورد نظر است. و على الاصول هيچگونه حق و اجازه براي دخالت در

قالب و محتوای برنامه های دریافتی ندارند. این تکنولوژی است که فی نفسه بعد زمان

آنتنهای ماهوارهای و جبرزمان

بحث استفاده از تکنولوژی های نوین ارتباطی مانند ماهواره و اینترنت مدت زیادی در جامعه ما مطرح بوده و نظرات موافق و مخالف عده ای را به دنبال داشته است. بدون تردید نخستین قدم برای قضاوت در مورد این تکنولوژی ها، شناخت و آشنایی با تأثیرات و عملکرد آنها است. این موضوع که صاحبنظران و سیاستگذاران ارتباطی تا چه اندازه از این شناخت برخوردارند، تأثیر به سزایی در وضع قوانین و جهت گیری آنها خواهد گذاشت. برای آشنایی با تکنولوژی های نوین ارتباطی و نقش آنها با دکتر تقی غفاری متخصص تکنولوژی ارتباطات و آموزش و استاد ارتباطات در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به گفت و گو نشستیم که می خوانید:

> تکنولوژی های نوین ارتباطی چه تأثیری بر جهانی کردن فرهنگ دارند؟ تکنولوژی دو معنی مترادف نرم افزار و سخت افزار دارد. مثل رابطه ای که بین دو چشم ما وجود دارد و باعث مي شود تا اجسام را سه بعدي ببينيم. تكنولوژي هم همين حالت را دارد یعنی وقتی از آن صحبت می کنیم، به طور همزمان باید نرم افزار و سخت افزار را مدنظر داشته باشیم. به عبارت دیگر هم از ابزار سخن بگوییم و هم از روش و فن و تکنیک. بنابراین کسانی که صاحب تکنولوژی هستند از هر دوجنبه بهتر مي توانند بازار را در دست بگيرند و با مردم ارتباط برقرار كنند. يك مثال عيني بزنم، چندین سال پیش کمپانی هایی مثل «سونی» و «ماتسوشیتا» به این فکر افتادند که چون سازنده سخت افزار تلویزیونی و سینمایی هستند و مردم کشورهای مختلف، فیلم های هاليوودي را با سخت افزار آنها نگاه مي كنند، بهتر است كمپاني هاليوود را بخرند. در واقع وقتی نرم افزار در دست تولید کننده سخت افزار قرار بگیرد، تکنولوژی را به معنای واقعی خواهند داشت. وقتی ابزار داشتید، مهارت هم داشتید، حرف خود را به کرسی می نشانید. آمریکایی ها این مهارت را از قبل دارند. اگر به تاریخ سینما توجه كنيد، مي بينيد علت اينكه فيلم هاي اَمريكايي بيشتر از ساير فيلم ها در جهان مردم پسند هستند-هرچند که سطحی ترند- این است که اولین مشتری های فیلم های أمریکایی، کارگران مهاجر اروپایی بودند که به آمریکا رفتند و بعداز یک روز کاری سخت به تماشای فیلم های صامتی می نشستند که احتیاجی به دانستن زبان نداشتند، از آن موقع, آمریکایی هایاد گرفتند که از زبان بین المللی مردم پسند استفاده کنند و بعد

> این شیوه را به تلویزیون هم تسری دادند. به همین دلیل گاهی گفته می شود که قالب

تلويزيون آمريكايي است. الأن كه ما صحبت مي كنيم، أمريكايي ها به لحاظ نرم افزار در جهان غالبند و دنیای سخت افزار از آن ژاپنی ها است. در زمینه سخت افزار اول ژاپنی ها هستند، بعد اروپایی ها و بعد آمریکایی ها ولی نمی توان پیش بینی کرد که این صف بندی در آینده هم ادامه داشته باشد. آنچه مسلم است، این است که کسی که ابزار و مهارت و در یک کلام تکنولوژی را در اختیار داشته باشد می تواند به جهانی شدن فرهنگی که دارد کمک کند.

مردم دنبال تفريح سالم و دلنشين هستند. اگر برنامه ساز ایرانی نتواند برای آنها توليد كند دنبال خارجي ميروند

تلویزیون قبل از اینکه وسیله خبری

یا آموزشی باشد، یک و سیله تفریحی است.

در مورد کشورهایی که یا در صف تولید کنندگان سخت افزار و یا دارندگان نرم افزار قرار می گیرند چگونه است؟ کدامیک از این دسته کشورها نقش تعیین کننده ای در غالب شدن فرهنگ خود دارند؟

پاسخ به این سؤال سخت است. ببینید، برای کارهایی که نیاز به خلاقیت دارند، سخت افرار تعیین کننده نیست. اگر به یکی از ویژگی های وسایل ارتباط جمعی یعنی تكثير توجه كنيم، مي بينيم كه مي توانند بعد زمان و مكان را بشكنند. بنابراين در پارهاي از موارد صاحبان سخت افزار و در مواقع دیگر تولید کنندگان نرم افزار تعیین کننده

مثالی بزنم، می دانید که جنگ خلیج فارس که آمریکایی ها در آن در گیر شدند، به جنگ C.N.N معٰروف شد. یعنی دنیا از چشم C.N.N به این جنگ نگاه می کرد. در این جنگ، اگر خبرنگارها می خواستند مستقیماً با دفاتر مرکزی در تماس باشند، فقط می توانستند با استفاده از دستگاه خیلی بزرگ متن و صدا را ارسال کنند ولی در جنگ افغانستان، تصویر هم فرستاده می شد. خیلی فرق می کند که شما به عنوان یک خبرنگار فقط صدا و متن بفرستید، به خصوص برای دنیایی که منبع اصلی خبر و اطلاعات آن تلويزيون است، تا اينكه بتوانيد صدا و تصوير را همزمان آرسال كنيد، بنابراين باز هم

دسترس مردم در منطقه آسیا ۲/۵ کانال بود. الان چند تاست؟ بیش از ۴۰۰ کانال، در اروپا ۵ تا ۱۰ کانال بود. بعد که تلویزیون های کابلی و دیجیتالی به بازار آمد به نحو سرسام اَوری زیاد شد.این امر امکان می دهد که استعدادهای بیشتری وارد بازار شو ند. من فكر مي كنم در مورد آنچه كه مورد نظر شماست بايد گفت كه سرمايه حرف اول را می زند. کسی که پول می دهد، حرف هم می زند و می تواند ابزار و مهارت را در اختیار بگیرد و در جهت منافع خو د استفاده کند. مثل بر نامه های برون مرزی تمام ایستگاه های رادیویی و تلویزیونی که هر کشوری فقط نفع خود را در نظر دارد.

در تقسیم بندی کشورها به دو دسته تولید کننده و مصرف کننده تکنولوژی های نوین ارتباطی، قاعدتاً ما در گروه دوم قرار داریم به نظر شما برخوردی که در داخل كشور با اين تكنولوژيها صورت گرفته خصوصاً در دو دهه اخير چگونه بوده است؟

به نظر من نه فقط با تکنولوژی های ارتباطی، بلکه با هر نوع تکنولوژی برخورد اگاهانه و صمیمانه ای صورت نگرفته است. بر خورد ما با تکنولوژی اتومبیل چه بود؟ پیکانی که امروز می سازیم از پیکان ده سال پیش کیفیت بدتری دارد. همانطور که می دانید تکنولوژی های ارتباط دو جنبه ارتباط میان فردی مثل تلفن، فکس، تلکس، تلفن همراه و ارتباط جمعی دارند. در گروه اول کمیت بسیار افزایش یافته اما در مورد گروه دوم ما پیشرفت تکنولوژی نرم افزاری نداشتیم و فقط در سینما توانستیم حرکت كنيم، البته به لطف ممنوعيت نمايش فيلم هاي خارجي. خيلي از كار گردان هاي ما ریشه در گذشته دارند و نباید فراموش کرد که در همه جای دنیا، کنترل کمتری بر سينما اعمال مي شود و به همين دليل در كشور ماسينما توانست تصادفاً راه خود را پيدا

کند و پیش برود. زیرا من معتقدم آنچه در كشور ما روى مى دهد، تصادفي است تا منطقى و سيستماتيك. تصادفاً چند نفر به عنوان سينماگر مؤلف وارد كار شدند و اين شیوه با روحیه ایرانی که در کار فردی موفق تر از کار گروهی عمل می کند، هماهنگ بود. به علاوه اینکه فیلم های این عده خارج از سینمای تجاری قرار می گیرد و برای فستیوال ها ساخته می شود. شما به ادبیات ایران نگاه کنید، ما گنجینه غنی و

پرباری داریم که دست نخورده باقی مانده است. می خواهم بگویم که ما خیلی بیشتر مي توانيم در بخش نرم افزاري و محتوايي بهره برداري كنيم. در سينما، سخت افزار تأثير زيادي ندارد. شما مي توانيد بدون استفاده از تكنولوژي پيشرفته سينمايي يک فيلم خوب هم بسازيد. بعد از سينما، در زمينه مطبوعات پيشرفت خوبي داشتيم و البته به دليل أماده بودن زمينه و ابعاد سياسي أن. روزنامه ها هميشه حالت مبارزه جويانه داشته اند و در سال های اخیر به سمت جلو در حرکت بوده اند. هر زمان که اجازه دادند و فضای مناسبی ایجاد کردند، روزنامه ها هم پیشرفت داشتند و سرانجام به رادیو و تلويزيون مي رسيم. در مورد آنها بايد بگويم كه باز فقط به لحاظ كمي پيشرفت كرديم. فقط تعداد كانال ها و ايستگاه ها زياد شده است. به نظر من علت اشتياق مردم براي استفاده از ماهواره فقط نشان دهنده نارضایتی آنها است. کسی که در خانه اش آشپز خانه داردولی هر روز بیرون غذامی خورد، سؤال برانگیز است. اگر ماهواره و ویدئو جانشین تلویزیون داخلی می شود، پس ایرادی و جود دارد اما اگر مکمل آن شود، طبیعی است. تلویزیون ما در واقع یک رادیوی مصور است.

در رابطه با برنامه های تلویزیونی ماهواره ها که به آن اشاره داشتید، عده ای معتقدند كه ديدن و استفاده از آنها باعث تقدس زدايي از ارزشها، باورها و اعتقادات مردم می شود. به نظر شما تکنولوژی های ارتباط این قدرت را دارند تا در جامعه ای

و مكان را در مي نوردد و در عصر اطلاعات همه بايد به دنبال توليد كالاي اطلاعاتي مثل فیلم های سینمایی یا برنامه های تلویزیونی باشند. همانطور که می دانید کسانی که این روزها با سیستم های خانگی دیجیتال خو د برنامه های تلویزیونی ماهواره HotBird۵ را در ایران دریافت می کنند در میان صدها برنامه مختلف می توانند کانال های تلویزیونی دولتي خودمان را هم بدون هيچگونه دخل و تصرفي از جانب صاحبان خار جي ماهواره مربوطه ببینند. این تکنولوژی خنثی است و نمی تواند غرض دار باشد. مثل چاقو یا اتم جنبه های مثبت و منفی دارد و شما می توانید استفاده های مختلفی از آنها بکنید. تکنولوژی های ارتباطی تعامل فر هنگی ایجاد می کنند. شمانمی توانید در را ببندید و در خلوت و انزوا بنشینید. مثل چینی ها که امروز برخلاف گذشته سیاست افزایش اینترنت بین جوانان را در پیش گرفته اند.

من فکر می کنم نگاه خشک و بدون انعطاف به تکنولوژی های ارتباطی درست نباشد. به نظر من تلویزیون در ایران خوب فهمیده نشده است. تلویزیون قبل از اینکه خبری یا اَموزشی باشد، یک وسیله تفریحی است. مردم دنبال تفریح سالم و دلنشین هستند. اگر برنامه ساز ایرانی نتواند برای آنها تولید کند، دنبال خارجی می روند. ما هنوز تفریح را معنی نکرده ایم. معلوم نیست شما از برنامه ای چقدر باید خوشتان بیاید، چقدر بخندید، چقدر نخندید، حتی کسانی که مسؤول آماده سازی برنامه های تولید خارجی برای پخش در داخل کشور هم هستند درست نمی دانند که چقدر باید اعمال نظر کنند و تا کجا می توانند در محتوای برنامه ای دست ببرند. همه دچار سردر گمی

> به نظر شما اعمال سیاست های رسمی که تاکنون مبتنی بر تحریم یا ایجاد محدودیت بوده می تواند در بهبود این شرايط كارساز باشد؟

> فکر نمی کنم سیاست مشخصی در کار بوده باشد. ما فقط بسته به زمان عكس العمل نشان داده ايم. نوعي عكس العمل شتابز ده که فاصله بسیار زیادی از اتخاذ سیاست به معنای خط مشی و برنامه ریزی طولانی مدت دارد. اگر جلوی دیدن برنامه های

ماهواره ای را می گیریم به جای آن به مردم چه می دهیم؟ آیا با شکستن و جمع کردن آنتن هامی توان جلوی تلویزیون خارجی را گرفت؟ آقای مهاجرانی هنگام تصدی پست وزارت ارشاد چندین بار به لزوم تجدیدنظر در قانون مربوط به خصوص در مورد نیاز گروه های مشخصی از اشخاص حقیقی به استفاده از ماهواره به دلایل شغلی و حرفه ای آنها اشاره كرد ولي به نتيجه نرسيد. از حدود ١٠ سال پيش كه قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره ای توسط سیستم های خانگی در ایران به تصویب رسید و به مورد اجرا گذاشته شد، در اوایل با تأکید اَقای بشارتی وزیر کشور وقت مردم به سرعت آنتن ها را جمع اَوری کردند و بعد با خوابیدن سرو صدا، متوقف شد. عدم پیگیری مسؤولان اجراًيي، تلويحاً به اَنها فهماند كه شايد استفاده از اَنتن بلامانع است ولي با بروز تحولات پاییز گذشته و حوادثی که بعد از جریان فوتبال روی داد، دوباره موج تازه ای برای جمع اَوری اَنتن ها به راه افتاد. بنابراین فکر نمی کنم که هیچگاه سیاست مداوم و مشخصی داشتیم بلکه به صورت مقطعی و گذرا تصمیم گیری هایی صورت

عملکرد شوراهای سیاستگذاری را چگونه ارزیابی می کنید؟

من دانشجویی داشتم که برای پایان نامه کارشناسی ارشد خود می خواست در مورد میزان شیوع آنتن های بشقابی در یکی از شهرهای ایران تحقیق کند،اما نتوانست

مخاطب ایرانی را در همین حد ارزیابی می کنند.

بزرگترین مشکل ما در تلویزیون، فرض کردن مخاطب است. یعنی آن را یک جمع فرضی از اَدم های فرضی می دانیم که نااَشنا، نامتجانس و پراکنده هستند، درست مثل جماعتی که در اطراف یک حادثه رانندگی جمع می شوند. شناخت مخاطب کار بسیار سختی است. دقت کنید تلویزیون قرار نیست آب، برق یا راه ارتباطی مردم را تأمین کند، بلکه باید در ساعات مطلوب، ترکیبی از خواست و نیاز آنها را ارائه کند.

درست مثل رابطه مادر با فرزند. اكثر كودكان تنقلات را بيشتر از غذاي اصلى دوست دارند. معمولاً مادري موفق تر است كه بتواند تركيب مناسب و درستي از خواست و نیاز کودک را به او بدهد. وسائل ارتباطی جمعی هم همین حالت را دارند. شما باید مخاطب خود را بشناسید و به عنوان ارتباط حرفه ای خواست و نیاز او را تشخیص دهید. معمولاً تلویزیون های تجاری فقط به خواست مخاطب فکر می کنند

و می گویند بگویید چه می خواهید تا برای شما بسازیم و تلویزیون های دولتی می گویند مامی دانیم که شما چه می خواهید هر چه قدر بتوانیم تناسب و رابطه ای بین خواست و نیاز برقرار کنیم موفق تر خواهیم بود به نظر من مشکل شناخت مخاطب مشکل بزرگی است. من فکر می کنم نه برنامه سازان داخلی درست می دانند که مخاطب ایرانی چه می خواهد و نه برنامه سازان ایرانی خارج از کشور.

در واقع هیچکدام از تخصص کافی برای برنامه سازی برخور دار نیستند. به نکته خوبی اشاره کردید، هیچکدام مهارت این کار را ندارند، در واقع هر دو طرف در صدد رفع نیاز خو د هستند تا مخاطب. اما من فکر می کنم که مخاطب ایرانی

باهوش تر از این حرفها باشد. صمیمیت را به خوبی احساس و راه خود را پیدا می کند. در یک ارتباط درست تلویزیونی شما باید رسانه، مخاطب و موقعیت خو د را بشناسید و در ضمن كار هم بلد باشيد. اين حرف چه قدر در مورد برنامه های تلویزیونی داخل و خارج از كشور مصداق دارد؟

-شاید اگر مردم از آزادی بیشتری در انتخاب برخوردار باشند به آنها اجازه ارزیابی برنامه های تلویزیونی کانال های

ایرانی و خارجی از کشور داده شود، بسیاری از افراد اصلاً توجهی به آنها نداشته باشند؟ شما بااين نظر موافقيد؟

كاملاً درست است. مگر الآن كه داشتن ويدئو آزاد است همه مردم صبح تا شب فيلم ويدئويي نگاه مي كنند؟ ممنوعيت بيش از حد، به اشتباه علاقه بيشتر هم به وجود

به نظر شما با توجه به شرایط امروز جامعه، اتخاذ چه سیاستی می تواند هم امکان استفاده مناسب از دستاوردهای تکنولوژی های نوین ارتباطی را به همراهٔ داشته باشد و هم مضرات آن را کاهش می دهد؟

من وقتی خود را به جای تصمیم گیرندگان می گذارم، می بینم کار سختی به عهده دارند. الان اینترنت برای همه کشور های دنیا مسأله شده، نه می توان صرفاً پذیرای صدرصد تکنولوژی های ارتباطی بو د و نه می توان آنها را نادیده گرفت. با تکنولوژی نمي توانيم خيلي مقابله كنيم بلكه بايد رقابت ايجاد كنيم. اگر تلويزيون ما يك برنامه ایرانی، بومی، قابل قبول و دلنشین تهیه کند، مردم امکان ندارد برنامه خارجی ببینند. آیا سیستم بانکی ما می تواند بدون کامپیوتر کار کند. آیا امتیازاتE.MAIL بر سیستم پستی واضح و روشن نیست؟ ما باید بپذیریم که نوع مهارت ها عوض شده و جبر زمان عملاً اجازه نادیده گرفتن تکنولوژی های نوین ارتباطی را نمی دهد.